جزئیات عفو معیاری ۱۴۰۴ رهبر معظم انقلاب

معاون قضایی قوه قضائیه گفت: با پیشنهاد رئیس قوه قضائیه فهرست عفو معیاری به مناسبت ولادت پیامبر اعظم(ص) و امام جعفر صادق(ع) خدمت رهبر انقلاب اسلامی اعلام شد و با موافقت ایشان جمع زیادی از محکومان دادگاه‌های عمومی و انقلاب، سازمان قضایی نیروهای مسلح و سازمان تعزیرات حکومتی و تعدادی از محکومان امنیتی که در دوره‌های قبل معمولاً مشمول عفو قرار نمی‌گرفتند، با دو شرط، مشمول عفو می‌شوند.

به گزارش مرکز رسانه قوه قضائیه، حجت‌الاسلام والمسلمین مظفری با اشاره به جزئیات عفو مورد موافقت رهبر انقلاب اسلامی برای محکومان زندانی به مناسبت ولادت باسعادت پیامبر اعظم(ص) و امام جعفر صادق(ع) اظهار کرد: در این دوره به جای اینکه فهرست افراد و اسامی آن‌ها تهیه و خدمت رئیس قوه قضائیه تقدیم شود، با دستور حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای معیارهایی برای عفو تهیه شد. رئیس قوه قضائیه دستور داد هیئتی از مسئولان عالی قوه قضائیه معیارهایی را برای شمولیت عفو برای محکومان تهیه کنند.

مظفری با بیان اینکه بر اساس این معیارها دیگر فهرستی از محکومان تهیه نشد بلکه فهرستی از معیارها از طرف رئیس قوه قضائیه به محضر رهبر معظم انقلاب تقدیم شد، گفت: با موافقت رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، افرادی که مشمول این معیارهای اعلامی شوند، می‌توانند از تخفیف مجازات یا عفو به طور کامل برخوردار شوند.

یادداشت

راز اخم‌های عراقچی و گروسی در تفاهم قاهره

مهدی خالدی | رایزنی آشکار و پشت پرده میان تهران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هر چند با دست دادن سید عباس عراقچی و رافائل گروسی مقابل دوربین‌ها در قاهره سرانجام به تفاهم منجر شد، اما چهره عبوس دو طرف هنگام امضای توافق از پیچیدگی‌های موجود بر سر نحوه ادامه همکاری‌ها حکایت دارد. تفاهم جاری در شرایطی حاصل می‌شود که پس از تهاجم مشترک آمریکا و رژیم صهیونیستی به خاک کشورمان، مجلس در مصوبه‌ای هر گونه همکاری با این نهاد را به حالت تعلیق درآورده و حتی علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی هم به صراحت تهدید کرده بود که ایران پس از جنگ به حساب گروسی خواهد رسید! به این وضعیت آشفته باید موضوع فعال‌سازی مکانیسم ماشه را هم افزود. تروئیکای اروپایی ۶ شهریور در نامه‌ای به شورای امنیت چنین درخواستی را داده‌اند و اگر تا ۳۰ روز پس از این تاریخ تهران و طرف مقابل به تفاهمی برای ادامه همکاری نرسند، اسنپ‌بک فعال شده و عملاً تهران و اروپا وارد فاز رویارویی جدی خواهند شد و بر این اساس با توجه به زمان کم باقیمانده تا پایان ضرب‌الاجل؛ تفاهم اخیر را باید گامی مثبت در راستای ادامه مسیر گفت‌وگوها قلمداد کرد.

■ **فرصت تازه تهران به اروپا**

با توجه به همین شرایط پیچیده و مبهم، برخی تفاهم اخیر را گذر وزیر خارجه از چراغ قرمز مجلس تعبیر کرده‌اند. در مقابل، عده‌ای معتقدند همین گام در حالت حداقلی را می‌توان به معنای شکست بن‌بست و باز شدن روزنه دیپلماسی قلمداد کرد.

در همین راستا روز گذشته عراقچی به شفاف‌سازی و بیان جزئیات توافق جدید همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پرداخت. اینکه پس از حمله آمریکا و رژیم صهیونیستی به تأسیسات هسته‌ای ایران، شرایط جدیدی ایجاد شده و حتماً باید چارچوب جدیدی برای همکاری‌ها ایجاد شود، نگرانی‌های امنیتی ایران را به عنوان نگرانی مشروع پذیرفته و اینکه این نگرانی‌ها باید مورد توجه واقع شود - چارچوب جدید دقیقاً منطبق با قانون مجلس است و چه شروع مذاکره با آژانس و چه بندهای توافق در شورای عالی امنیت ملی مطرح و تصویب شده است - الان هیچ دسترسی‌ای به بازرسان آژانس نمی‌دهیم، براساس گزارشاتی که ایران در آینده خواهد داد در مورد نوع دسترسی‌ها و شکل بازرسی‌ها گفت‌وگو خواهد شد و در نهایت اینکه ادامه حیات این سند به شرط آن است که هیچ اقدام خصمانه‌ای به شمول اسنپ‌بک علیه جمهوری اسلامی صورت نگیرد؛ طبق گفته وزیر امور خارجه این تمام خواسته‌هایی بود که ما از این توافق داشتیم و در آن آمده است. طبق جزئیات گمانه‌زنی شده، توافق قاهره یک «مودالیتی» (چارچوب اجرایی) موقت بوده که بر اساس سه دور مذاکره اخیر تدوین شده است. ایران ظرف یک ماه پس از امضای چارچوب، گزارشی جامع در مورد ذخایر اورانیوم غنی‌شده خود (شامل مواد آسیب‌دیده احتمالی از حملات) به آژانس ارائه دهد. پس از گزارش، ایران و آژانس وارد مذاکرات برای تعیین نحوه تأیید گزارش خواهند شد که شامل دسترسی بازرسان آژانس به سایت‌ها و بازرسی‌های میدانی است. این امر به معنای از سرگیری نظارت‌های بین‌المللی بر برنامه هسته‌ای ایران است. توافق تا ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ (۲۶ مهر ۱۴۰۴) معتبر است و می‌تواند به عنوان پایه‌ای برای توافق‌های بلندمدت‌تر عمل کند.

■ **خنثی‌سازی سیاست‌های خصمانه**

بر این اساس اتفاق اخیر را از چند منظر می‌توان مورد بررسی قرار داد؛ نخست اینکه تفاهم قاهره فرصتی دیگر به دیپلماسی و باز گذاشتن پنجره مذاکره است.

تفاهم جدید آن هم در شرایط متشنج منطقه‌ای و جهانی، فضایی تنفسی را در حوزه دیپلماسی ایجاد کرده که می‌تواند از شدت تنش‌ها بکاهد و به مدیریت اوضاع کمک کند. از سویی در شرایطی که این روزها هماهنگی میان دولت آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه منافع ایران در حوزه‌های مختلف مشهود است و حتی میز دیپلماسی آن‌ها هم بازی نمایشی برای ضربه زدن به ایران بود، رخداد مذکور را شاید بتوان رویکرد تهران برای ادامه دیپلماسی با اروپا بی‌تفاوت به اقدام‌های تیم ترامپ و نتانیاهو دانست. این فرصت دیگر ایران به چشم آبی‌ها برای سنجیدن میزان جدیت و رویکرد مستقل آن‌هاست. در این باره می‌توان به توییت دیروز سید عباس موسوی دیپلمات کشورمان اشاره کرد که نوشت: «الف) آنچه در قاهره اتفاق افتاد حتماً اقدام دیپلماتیک لازم و مهمی در کاهش تنش با اروپا و آژانس است. ب) مقامات ایرانی به خوبی می‌دانند آمریکا و رژیم صهیونیستی مستقل از اروپا و آژانس استراتژی خاص خود را در قبال تهران دنبال می‌کنند. تکمله: بمب‌گذاری زیر میز دیپلماسی با ایران روش معهود آن‌هاست». تهران به نظر با هدف خنثی‌سازی سیاست‌های خصمانه آمریکا و رژیم صهیونیستی روی باز بودن روزنه دیپلماسی با اتحادیه حساب باز کرده و البته نمی‌توان در مورد اینکه این رویکرد نتیجه‌بخش باشد یا نباشد فعلاً اظهار نظری داشت.

از سویی تأکید عراقچی بر اینکه مذاکرات اخیر از کانال شورای عالی امنیت ملی انجام می‌شود بیانگر این است که کلیت نظام بر موضوع ادامه دیپلماسی با اروپا و آژانس اتمی به رغم دشواری‌های موجود هم‌نظر هستند. گام جدید در مسیر درست برداشته شده بنابراین بهانه‌جویی‌های طرف مقابل را از بین می‌برد و کسانی که برای مقاصد خودشان و سوءاستفاده به دنبال بهانه بودند، این توافق آن‌ها را خلع سلاح می‌کند.

در نهایت این روند از این جنبه مهم است که طبق گفته عراقچی بر اساس شیوه‌نامه و مدالیته جدید ایران و اولویت‌های امنیتی ایران است. با این حال چهره در هم کشیده و عصبانی عراقچی و گروسی هنگام امضا و رد و بدل کردن اسناد تفاهم نشان‌دهنده فضای بی‌اعتمادی گسترده حاکم میان طرفین بوده که چشم‌انداز آن را در ابهام قرار داده است.

نماینده جنبش حماس در ایران با اشاره به ضرورت واکنش فوری کشورهای عربی به تجاوزهای رژیم صهیونیستی در گفت‌وگوی اختصاصی با قدس پیشنهاد داد

تشکیل جبهه منطقه‌ای مقاومت با پرچم‌داری جمهوری اسلامی ایران

سیدحسین حسینی | «سگ‌ها منطقه» - این دقیق‌ترین تعبیری است که می‌توان از رژیم جعلی صهیونی داشت- روز سه‌شنبه به محل نشست سران حماس حمله‌هوایی کرد و شماری از این نیروها را در حالی که برای بررسی مفاد مذاکره دور هم جمع شده بودند، به شهادت رساند؛ تا بار دیگر نشان دهد این رژیم با رویکردی فریبکارانه، دیپلماسی را به ابزار عملیات ترور تبدیل کرده‌است. پایتخت قطر عصر سه‌شنبه صحنه حمله هوایی گسترده اسرائیل بود؛ عملیاتی که نشست رهبران حماس را هدف قرار داد و مسیر میانجی‌گری قطر و مصر را تهدید کرد. این رخداد بار دیگر نشان داد چگونه دیپلماسی می‌تواند ابزاری برای ضربه زدن شود و ماهیت واقعی سیاست تل‌آویو و تبانی احتمالی واشنگتن را روشن کند. گروه سیاسی روزنامه قدس به همین بهانه در گفت‌وگوی اختصاصی با نماینده جنبش حماس در ایران؛ از او درباره تازه‌ترین تحولات در میدان مقاومت پرسید.

■ **زمان اقدام علیه رژیم صهیونیستی فرا رسیده است**

«خالد قدومی» ضمن محکومیت حملات گستاخانه رژیم صهیونیستی به نشست رهبران مقاومت در دوحه، این اقدام را نشانه آشکار وابستگی تل‌آویو به حمایت‌های آمریکا و همچنین ضعف جبهه عربی در برابر این رژیم دانست و تأکید کرد: امروز زمان شکل‌گیری جبهه‌ای متحد با محوریت جمهوری اسلامی ایران علیه اسرائیل فرا رسیده است.

وی تصریح کرد: این اقدام هر چند جنایتکارانه بود، اما می‌تواند به فرصتی طلایی برای ملت‌های عرب تبدیل شده تا حول محور مقاومت و عزت امت اسلامی متحد شوند.

■ **این همه بی‌غیرتی از کجا آمده است؟**

خالد قدومی با اشاره به حملات آشکار رژیم صهیونیستی به کشورهای مختلف در منطقه، اظهار کرد: امروز شاهدیم این رژیم کودک‌کش نه تنها در لبنان، عراق، سوریه و یمن، بلکه حتی در تهران و دوحه دست به تجاوز می‌زند. از ترور دانشمندان در تونس و مالزی گرفته تا حملات اخیر، همه حکایت از گستاخی بی‌سابقه تل‌آویو دارد. با کمال تأسف باید گفت کشورهای منطقه، جز ایران، تاکنون هیچ واکنش درخور و قاطعی نشان نداده‌اند. آیا نباید بپرسیم این همه بی‌غیرتی از کجا آمده است؟

نماینده حماس در ایران علت اصلی این رفتار گستاخانه را در دو عامل خلاصه کرد: نخست حمایت کامل و همه‌جانبه آمریکا از اسرائیل؛ واشنگتن امروز تنها قدرتی بوده که از نظر دیپلماتیک در سراسر جهان، یک‌تنه پشت سر این رژیم ایستاده است. عامل دوم نیز ضعف و تفرقه جبهه اسلامی و عربی است. اگر از سال ۱۹۴۸ کشورهای مسلمان متحد می‌بودند، آیا مسجدالاقصی و فلسطین به اشغال صهیونیست‌ها درمی‌آمد؟

■ **صهیونیست‌ها وزنی برای جهان اسلام قائل نیستند**

قدومی با اشاره به اظهارات اخیر رئیس کنست رژیم صهیونیستی افزود: وقتی صهیونیست‌ها با گستاخی اعلام می‌کنند حمله به رهبران مقاومت در قطر پیامی برای کل منطقه است، معنایش این است که صهیونیست‌ها جهان اسلام را بی‌وزن و بی‌اعتبار می‌دانند. اگر کشورهای اسلامی متحد شوند و برنامه‌ای مشترک داشته باشند، این رژیم فاسد در چند روز ساقط خواهد شد.

وی اتحاد کشورهای عربی در کنار جمهوری اسلامی ایران را ضرورتی حیاتی دانست و گفت: اگر بحرین، امارات، قطر، عربستان و دیگر کشورها در جبهه مقاومت قرار گیرند، می‌توانند صهیونیست‌ها را از منطقه بیرون کنند. روابط همسایگی ایران با کشورهای خلیج فارس بسیار ارزشمند است، اما مهم‌تر از آن داشتن برنامه‌ای روشن برای مقابله با اسرائیل و بازگرداندن عزت به امت اسلام است.

نماینده حماس با اشاره به برخی تلاش‌های عربی برای عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی تأکید کرد: امروز برخی کشورها امنیت و توسعه خود را در پیمان ابراهیم و طرح‌های پوشالی غرب جست‌وجو می‌کنند. در حالی که واقعیت چیز دیگری است: از سال ۱۹۴۸ تاکنون این رژیم صدها هزار فلسطینی را به شهادت رسانده است. آیا به جای محاکمه چنین رژیمی باید به او تبریک گفت و روابط عادی برقرار کرد؟ تجربه مصر و اردن از ۱۹۷۸ به بعد نشان داد عادی‌سازی چیزی جز فساد، ناامنی و تزلزل اقتصادی به بار نمی‌آورد.

■ **ضرورت تشکیل دادگاه منطقه‌ای برای محاکمه رژیم صهیونیستی**

او در همین زمینه خواستار تشکیل دادگاه منطقه‌ای برای محاکمه اسرائیل در سطح بین‌المللی شد و گفت: ایران، فلسطین و دیگر کشورهای محور مقاومت می‌توانند به عنوان دادستان و قاضی این دادگاه نقش‌آفرینی کنند. این رژیم باید مجازات شود، نه اینکه با او قرارداد دوستی امضا شود.

خالد قدومی خاطرنشان کرد: مردم ایران امروز به روشنی دریافته‌اند که همراهی با فلسطینی‌ها تنها از سر همدلی با مظلومان نیست، بلکه بخشی از دفاع از هویت و امنیت خود ایران است. حملات ۱۲روزه اخیر اسرائیل علیه تهران نشان داد هدف صهیونیست‌ها کل ایران و مردم عادی آن است. به یاری خداوند و با اتحاد ملت‌ها، این رژیم جعلی به زودی نابود خواهد شد.

یادداشت

فیل هندی‌ها باز یاد چابهار کرده است!

میراحمدرضا مشرف | انتشار چند خبر مهم درباره بندر چابهار در هفته جاری، یک بار دیگر نام این بندر را سر زبان‌ها انداخت. گفت‌وگوی تلفنی علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی و «آچی دوال»، مشاور امنیت ملی هند و خبر سفر قریب‌الوقوع یک هیئت دیپلماتیک هندی به تهران با هدف مذاکره بر سر توسعه چابهار، بخشی از همین خبرها به شمار می‌آید. البته پیش از این و در جریان برگزاری نشست اخیر سازمان همکاری شانگهای در چین نیز نام بندر چابهار سر زبان‌ها افتاده بود. نارندرا مودی، نخست‌وزیر هند در جریان سخنرانی‌اش در شانگهای به ابتکاراتی همچون بندر چابهار و کریدور حمل‌ونقل شمال- جنوب اشاره کرده بود. اگر چه در شرایط فعلی این تحولات را باید یک رویداد مثبت تلقی کرد؛ با این حال دو پرسش و در واقع دو ملاحظه در این زمینه قابل طرح است؛ پرسش نخست آنکه دلایل چرخش دوباره هند به سوی بندر چابهار چیست؟

پرسش دوم آنکه با وجود ماهیت مثبت این تحول، تهران باید چه واکنشی در برابر این تمایل دوباره دهلی به سوی چابهار نشان دهد؟

در پاسخ به پرسش اول می‌توان به مجموعه‌ای از دلایل اشاره کرد؛ بدون تردید تنش‌های اخیر به وجود آمده در روابط آمریکا و هند و شکست بزرگ سیاست خارجی دولت مودی در تداوم مشارکت راهبردی با واشنگتن، نخستین دلیل این تغییر به شمار می‌آید. با این تحول عمیق در روابط دوجانبه، دهلی نو دیگر خود را ملزم به رعایت ملاحظات کاخ سفید نمی‌داند.

در وهله دوم بحث رقابت سنتی میان هند و چین مطرح است؛ در جایی که هندی‌ها می‌خواهند کریدور شمال- جنوب را در برابر کریدور یک جاده- یک کمربند چینی‌ها علم کنند. در اجلاس شانگهای، در شرایطی که همه از الحاق به کریدور «کمربند و جاده» چینی سخن می‌گفتند، مودی با نام بردن از چابهار و کریدور شمال- جنوب سیگنال روشنی را در مورد استقلال هند ارسال کرد.

در وهله سوم اوضاع آشفته خاورمیانه نیز در این تصمیم هند نقش بسزایی داشته است؛ چرا که این آشفتگی رؤیاهای بزرگ هند در همکاری با عرب‌ها و ایجاد کریدور بزرگ عرب- مدرا از بین برد و یا دست‌کم اجرای آن را تا زمان نامعلومی به تعویق انداخت. رقابت با پاکستان بر سر دسترسی به بازارهای بزرگ آسیای مرکزی می‌تواند چهارمین انگیزه مهم تلقی شود. با توجه به تداوم و حتی تشدید تنش میان هند و پاکستان، دسترسی هند به بازارهای آسیای مرکزی و یا حتی روسیه از مسیر پاکستان دور از انتظار است.

در نهایت به نظر می‌رسد استیصال و عصبانیت هند از آسیب‌های فراوان وارد شده به اقتصاد هند در نتیجه تحریم‌های فراگیر و البته غیرقانونی آمریکا، یکی دیگر از انگیزه‌های اصلی این تمایل مجدد را رقم زده است. در حالی که اقتصاد هند در شرایط رشد و پویایی فوق‌العاده‌ای قرار داشته و برنامه‌های بلندمدتی را برای سلطه جهانی دنبال می‌کند، محدودیت‌های متعدد ایجاد شده به دلیل تحریم‌های واشنگتن، در نقش سد راه این برنامه ظاهر شده و هند را به بازنگری جدی در سیاست‌هایش در قبال واشنگتن واداشته است.

اما در مورد پرسش دوم، یعنی واکنش تهران در برابر رویکرد دوباره هند نسبت به توسعه بندر چابهار باید گفت اگرچه ماهیت این اتفاق مثبت بوده و باید مورد استقبال قرار بگیرد؛ اما از سوی دیگر این موضوع هم ضروری به نظر می‌رسد که در نوع تعامل جمهوری اسلامی با هند در این حوزه بازنگری‌هایی انجام گیرد. در بیش از دو دهه که از روند مشارکت هند در پروژه چابهار می‌گذرد، پیشرفت پروژه به هیچ وجه رضایت‌بخش نبوده و حتی به قول رئیس سابق بانک مرکزی هند با شکست سختی مواجه شده است. عمده دلیل این موضوع نیز اولویت‌بندی‌های متمایز در سیاست خارجی هند و قربانی شدن پروژه چابهار در سایه این سیاست‌ها بوده است. اما در شرایط فعلی که هندی‌ها بیش از پیش به توسعه این پروژه نیاز دارند، باید تضمین‌های اساسی‌تری از آن‌ها گرفته شود. علاوه بر این، این نیاز هم احساس می‌شود که پروژه چابهار را از حالت توسعه تک‌بعدی و وابسته به هند خارج کرده و به شکل یک سرمایه‌گذاری بین‌المللی درآورد.

هم اکنون بسیاری از کشورها از ترکیه گرفته تا چین و پاکستان، تمایل خود را به سرمایه‌گذاری و مشارکت در این پروژه نشان داده‌اند. بنابراین می‌توان از آسیب‌های مشارکت تک‌بعدی در چابهار جلوگیری کرد و یا دست‌کم از طریق مزایده‌ای چندجانبه، فشاری به هندی‌ها برای ارائه تضمین‌های محکم‌تر وارد کرد.

گزارش

دیپلماسی پیچیده آب در آسیای بحران‌زده

چین حقابه ایران را از افغانستان می‌گیرد؟

سیداحمد موسوی | در حالی که قدرت‌های غربی پس از دو دهه مداخله نظامی، افغانستان را ترک کرده‌اند، اکنون چین در حال طراحی یک مدل جدید از نفوذ و میانجی‌گری در بحران‌های منطقه‌ای است. یکی از مهم‌ترین این بحران‌ها، مناقشه آبی میان افغانستان و ایران بوده که در کنار چالش‌های مرزی با پاکستان، به یک نقطه تنش منطقه‌ای بدل شده است. در این میان، چین با ترکیبی از دیپلماسی اقتصادی، فشارهای امنیتی و سازوکارهای چندجانبه، خود را در جایگاه «برادر بزرگ» منطقه‌ای قرار داده که به دنبال تثبیت وضعیت است. اما آیا چین می‌تواند شیر آب افغانستان را باز کند؟

■ **منطقه‌گرایی، ستون سیاست جدید ایران**

در شرایطی که ایران هنوز موفق به لغو کامل تحریم‌های غربی نشده، دولت به ریاست مسعود پزشکیان، رویکردی منطقه‌محور را در دستور کار قرار داده است. تهران باور دارد جهان به سوی چندقطبی شدن پیش می‌رود و اتحاد ایران، روسیه و چین راهی برای مقابله با نفوذ و بی‌ثبات‌سازی آمریکا در منطقه است. در این میان، تعامل با طالبان بخشی از سیاست «تنش‌مدیری و کنترل شده» ایران شده است.

■ **آب عامل تشدید تنش‌های مرزی ایران و افغانستان**

هیرمند سال‌هاست محل اختلاف ایران و افغانستان است، اما خشکسالی، تغییرات اقلیمی و پروژه‌های سدسازی طالبان، این بحران را به مرحله انفجار رسانده است. تأکید مقام‌های طالبان بر «حاکمیت کامل آبی» افغانستان به‌ویژه در افتتاح سد پاشدان موجب هشدار تهران شده؛ چرا که پروژه‌هایی مانند سد بخش آباد در هرات عملاً جریان ورودی آب به شرق ایران را تهدید می‌کند. علاوه بر این، امتناع کابل از هماهنگی سه‌جانبه با ایران و ترکمنستان بر رود هریرود، به‌عنوان نشانه‌ای از رویکرد یک‌جانبه‌گرایانه طالبان تلقی می‌شود که نگران‌کننده است.

■ **آب، ابزار حکمرانی طالبان**

در استراتژی جدید طالبان، آب نه فقط یک منبع طبیعی، بلکه یک ابزار قدرت و حاکمیت است. تکمیل کانال قوش‌تپه برای انحراف آب آمودریا، تقویت سد سلما و پیشبرد سدهای جدید نشان‌دهنده تلاش طالبان برای کنترل منابع حیاتی است، اقدامی که می‌تواند امنیت آبی تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان را نیز تهدید کند. در مورد پاکستان نیز وضعیت نگران‌کننده است. با وجود رودهای مرزی مشترک، هیچ توافق رسمی میان کابل و اسلام‌آباد وجود ندارد. پروژه‌هایی مانند سد شاه‌توت و سد احتمالی بر رود کنر، خطر ایجاد بحران جدی آبی در پاکستان را افزایش داده‌اند.

■ **چین، شریک اقتصادی یا بازیگر ژئوپلیتیک؟**

در این فضای پیچیده، طالبان به شدت بر چین برای بازسازی اقتصاد خود تکیه کرده است. تلاش برای پیوستن به طرح کمربند و جاده (BRI) و نمادگرایی در الحاق به کریدور اقتصادی چین- پاکستان (CPEC) بخشی از همین سیاست است. در نشست سه‌جانبه اخیر در کابل، مقامات طالبان چین را به عنوان «دوست قابل اعتماد» ستایش کردند. با این حال، چین افغانستان را نه از دریچه انسان‌دوستی، بلکه از دریچه ژئوپلیتیک می‌بیند.

■ **دیپلماسی سه‌جانبه؛ چسب اقتصادی یا ابزار فشار؟**

پکن با استفاده از بسترهایی مانند گروه کاری SCO در امور افغانستان، در حال تدوین فرمولی سه‌جانبه است: همکاری اقتصادی در برابر تعهدات امنیتی. چین تاکنون چندین دور مذاکره سه‌جانبه میان کابل، اسلام‌آباد و پکن برگزار کرده و به‌طور فعالانه در پی کاهش خشونت‌های مرزی و ایجاد سازوکارهای هماهنگی امنیتی بوده است. با این حال، پاکستان از عملکرد طالبان در مبارزه با گروه‌هایی مانند تحریک طالبان پاکستان (TTP) و ارتش آزادی‌بخش بلوچستان (BLA) ناراضی است. پکن و اسلام‌آباد اکنون به دنبال فشار بیشتر بر کابل برای اقدام عملی در این حوزه هستند.

■ **ایران، چین و طالبان؛ مثلثی برای مهار بحران آب؟**

با توجه به تنش‌های فزاینده آبی، ایران ممکن است به دنبال ایجاد سازوکار سه‌جانبه‌ای با چین و طالبان باشد تا بتواند بدون اتکا به نهادهای غربی، به مدیریت بحران بپردازد. پلتفرمی که هم نیازهای آبی ایران را در نظر بگیرد و هم به طالبان مشروعیت غیررسمی و به چین نقش میانجی‌گرانه بدهد. چین نیز با در نظر گرفتن منافع خود در ثبات منطقه، مقابله با افراط‌گرایی و حفاظت از مسیرهای تجاری، از چنین قالبی حمایت خواهد کرد، اما روشن است که پکن تنها زمانی پاداش اقتصادی می‌دهد که طرف‌ها به تعهدات امنیتی خود عمل کنند.